

انتخابات دوره هفتم مجلس ارتجاع را تحریم می کنیم

بولتن خبری ایران نبرد(275)- سه شنبه 23 دی 1382 - 13 ژانویه 2004
<http://www.iran-nabard.com>

اخبار، گزارشها و تحلیلها - ایران و تحولات عراق
اخبار کارگران و مزد بگیران ایران را در ایران نبرد بخوانید

بولتن خبری ایران نبرد روزهای شنبه، یکشنبه و دوشنبه گذشته منتشر نشد

رد صلاحیتها

خامنه‌ای: با بهانه گیران تشنج طلب مقابله کنید!

دوشنبه 22 دی 1382 - 12 ژانویه 2004

نه وکیل مدافع آنها هستیم و نه مدافع شما؛ بلکه وکیل مدافع قانون هستیم

مقام معظم رهبری صبح امروز در دیدار وزیر کشور و استانداران مهمترین وظیفه استانداران را تلاش جدی و برنامه‌ریزی شده برای تحقق برنامه چهارم توسعه خواند و افزودند: باید به گونه‌ای عمل کرد که تلاش برای تحقق چشم‌انداز 20 ساله کشور، به یک حرکت نهادینه در همه استان‌ها، تبدیل شود. به گزارش خبرگزاری کار ایران، ایلنا، مقام معظم رهبری کار کارشناسی را مبنای تنظیم چشم‌انداز 20 ساله کشور برشمردند و با اشاره به تهیه برنامه چهارم توسعه در مسیر این چشم‌انداز افزودند: تحقق این چشم‌انداز بسیار روشن، نیازمند حرکت و تلاش هماهنگ تمام مسئولان کشور است و استانداران در این زمینه وظیفه‌ای جدی برعهده دارند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با ابراز خوشنودی و رضایت از عملکرد مجموعه استانداران، به رشد شاخص‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی در استان‌ها اشاره کردند و افزودند: روند پیشرفت کشور، از نشانه‌های فضل الهی است و لازم است این حرکت و تلاش استانداران ادامه یابد. ایشان خاطر نشان کردند: باید مراقب بود که مسائل موسمی، جای مسائل همیشگی و اصلی یعنی ضرورت تلاش بی‌وقفه برای تحرك و توسعه و آبادانی استان‌ها را نگیرد و کار و فعالیت برای رونق مناطق مختلف کشور، فراتر از امواج سیاسی و غیر سیاسی دنبال شود.

مقام معظم رهبری استانداران را نمایندگان نظام در مناطق مختلف خواندند و با انتقاد از "نگاه بخشی" به مسائل کلان کشور افزودند: دفاع از نیازهای استان برای هر استانداری لازم است اما تقسیم حکومت تحت هر عنوان و نامی مضر است و استانداران باید با درک جایگاه استان خود در حرکت کلی کشور برای تحرك و توسعه و آبادانی، فعالیت‌های هماهنگی را برای تحقق اهداف نظام، انجام دهند. ایشان در همین زمینه افزودند: همه استان‌های کشور جزو ایران بزرگ هستند که پس از انقلاب همواره کشوری مظلوم بوده و به علت استقلال طلبی و اتکاء به ملت خود، همواره مورد خصومت دشمنان بوده و هست.

مقام معظم رهبری راه دستیابی به اهداف بزرگ ملت ایران و نظام اسلامی را راهی دشوار اما پیمودنی ارزیابی کردند و افزودند: انگیزه‌های قوی، استحکام ارکان نظام، استعداد درونی و ظرفیت‌های بسیار خوب موجود در کشور، اعتقادات بسیار عمیق مردم به اسلام و حمایت بی‌دریغ ملت از نظام، دستیابی به قله‌های رفیع پیشرفت و توسعه و تعالی را کاملاً ممکن کرده است. مقام معظم رهبری، اختیارات و توانایی‌های هر یک از مسئولان کشور را متعلق به نظام دانستند و خاطرنشان کردند: مسئولیت و قدرت مسئولان، متعلق به شخص آنها یا حزب و گروه و جناح نیست بلکه متعلق به نظام است و هر کسی در هر رده‌ای بر خلاف این مسئله عمل کند، اهلیت خود را از دست می‌دهد و خود به خود از آن مسئولیت ساقط می‌شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به لزوم توجه کامل به مستحکم سازی مناطق زلزله خیز کشور افزودند: باید در این زمینه، تدبیری اندیشید و با فکر و برنامه‌ریزی عمل کرد. ایشان با اشاره به سخنان تعدادی از استانداران در انتقاد از نتایج بررسی صلاحیت‌ها در هیأت‌های نظارت استان‌ها افزودند: طبعاً هیأت‌های نظارت نیز در مورد عملکرد استانداران و هیأت‌های اجرایی حرف‌هایی دارند اما بنده نه وکیل مدافع آنها هستیم و نه وکیل مدافع شما، بلکه وکیل مدافع قانون و در درجه اول قانون اساسی هستیم و تأیید می‌کنم که در همه احوال فقط باید قانون را رعایت کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در همین زمینه افزودند: این منطقی نیست که هر جا قانون مطابق میل ما بود آن را قبول کنیم و هر جا منافع ما را تأمین نکرد آن را رد کنیم، بنابراین حتی اگر قانون را قبول نداریم باید به آن عمل کنیم زیرا قانون بد، بهتر از بی‌قانونی و نقض قانون است.

مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه وزارت کشور و شورای نگهبان هر دو موظفند کاملاً قانونی عمل کنند، افزودند: در موضوع مورد اختلاف بررسی صلاحیت‌ها، هر دو طرف می‌گویند ما قانون را رعایت کرده‌ایم اما طرف دیگر به قانون عمل نکرده است اما بدیهی است که نمی‌شود همین جوری این حرف‌ها را قبول کرد بلکه قانون وظایف و حدود مسئولیت‌های هر دستگاهی را به طور روشن مشخص کرده است.

ایشان افزودند: البته اگر کار از مراحل قانونی بگذرد و به جای حساسی برسد که نیازمند تصمیم‌گیری رهبري باشد بر اساس تشخیص وظیفه، عمل خواهیم کرد کما اینکه تا به حال هم شبیه این مسئله اتفاق افتاده است، اما معنای این مسئله این نیست که اگر صلاحیت کسی را هیأت‌های اجرایی تأیید و هیأت‌های نظارت رد کردند و یا برعکس، رهبري بیاید میان آنها داوری کند چرا که در این مرحله مجرای قانونی وجود دارد و همه باید بر اساس قانون عمل کنند.

حضرت آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر لزوم پرهیز کامل از هر اقدام تشنج‌آفرین افزودند: هیچ کس نباید فراموش کند که عده‌ای از چندی قبل تهدید به تشنج کرده‌اند، بنابراین همه از جمله استانداران موظفند مراقب آرامش جامعه باشند و با کسانی که با بهانه‌گیری به دنبال جنجال و ایجاد تشنج هستند مقابله کنند تا انتخاباتی خوب، قوی و سالم برگزار شود.

در ابتدای این جلسه وزیر کشور با اشاره به اینکه تشکیل این جلسه از چندین ماه قبل مورد درخواست استانداران بوده است گفت: وزارت کشور و مجموعه استانداران برای برگزاری انتخابات پرشکوه و با حضور گسترده مردم، فعالیت گسترده‌ای انجام داده‌اند.

آقای موسوی لاری گفت: تلاش کرده‌ایم که در مسئله انتخابات براساس قانون عمل کنیم و معتقدیم در هیأت‌های نظارت استانها، به نكات لازم در بررسی صلاحیت‌های داوطلبان توجه لازم نشده است و بسیاری از رد صلاحیت‌ها بدون توجه به گزارش‌های مراجع چهارگانه بوده است.

در این دیدار همچنین آقایان رسولی استاندار خراسان، رحمانی استاندار تهران، ترک‌نژاد استاندار کرمانشاه، معین، استاندار خوزستان، انصاری، استاندار آذربایجان غربی، رازانی، استاندار کردستان و امامی استاندار قزوین ضمن تشریح دیدگاه‌های خود در مورد مسائل مختلف، از پیشرفت‌های اقتصادی، اجتماعی و بهبود شاخص‌های توسعه در مناطق مختلف کشور گزارش دادند.

در این گزارش‌ها مسائل مختلف از جمله افزایش اشتغال، کاهش میزان بیکاری، افزایش کامل ضریب امنیتی، افزایش محسوس امید به آینده در میان قشرهای مختلف مردم، تعمیق حمایت مردم از فعالیت‌های مسوولان برای حل معضلات موجود و "آینده روشن کشور و نظام" مورد اشاره قرار گرفت. انتقاد از روند بررسی صلاحیت‌ها در هیأت‌های نظارت استانها از دیگر مسائلی بود که در سخنان این استانداران، بیان شد.

این استانداران گفتند: در بررسی صلاحیت‌ها، به مستندات قانونی و مصالح لازم، توجه کافی نشده است و بسیاری از رد صلاحیت‌ها، بدون داشتن مبنای قانونی انجام شده است. پایان پیام

علوی‌تبار: حرکتی که ملت و نمایندگان شروع کرده‌اند، یقیناً به پیروزی خواهد رسید
دوشنبه 22 دی 1382 - 12 ژانویه 2004

علوی‌تبار "تمایل بر تغییرات بنیادین در شعارها" و "ایجاد یک رهبري دسته جمعی اعلام شده در دسترس" را از الزامات پیش روی جبهه اصلاحات عنوان کرد. به گزارش خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، وی که در نشست جبهه مشارکت ایران اسلامی در همبستگی به نمایندگان متخص سخن می‌گفت، خطای نظام‌ها را به دو دسته اتفاقی و ساختاری تقسیم کرد و گفت: خطاهای اتفاقی به افراد بازمی‌گردد اما در خطاهای ساختاری با تغییر افراد مشکل حل نمی‌شود.

وی رد صلاحیت گسترده داوطلبین نمایندگی مجلس هفتم را جزو مشکلات ساختاری نظام برشمرد و گفت: در ساختار نظام جمهوری اسلامی دو مشکل وجود دارد که یکی نامحدود و غیرمسئول بودن قدرت و دیگری حق ویژه برای برخی افراد است.

علوی‌تبار به اصلاح‌طلبانی که راهکار "همراهی به امید آینده" را برگزیده‌اند، اشاره کرد و گفت: بخشی از کسانی که ذیل اصلاح‌طلبان قرار می‌گیرند، هم می‌خواهند از اعتبار دائماً در ارتباطشان با محافظه‌کاران ممانعت کنند تا شاید جایی در قدرت داشته باشند اما تجربیات گذشته نشان داده است که این سیاست محکوم به شکست است.

وی با بیان اینکه فقط قدرت می‌تواند قدرت را مهار کند، گفت: نزدیک شدن، تأیید و زدن حرف‌هایی که مورد قبول محافظه‌کاران است، جز مخدوش کردن مرزها و ایجاد مشکل معرفتی برای مردم نیست. وی افزود: کسانی که می‌خواهند در عرصه سیاسی بمانند باید تفاوت‌های خود را با محافظه‌کاران مشخص کنند و در این مورد پافشاری کنند.

وی تصریح کرد: آینده سیاسی از آن اصولگرایانی است که از مواضع خود دفاع می‌کنند و در عین حالی که خشک سر نیستند و این مسأله با سازش‌کاری متفاوت است. وی با بیان اینکه ما نیاز به تعمیق اصلاحات داریم، گفت: اصلاحات باید از نظر هدفی که دنبال می‌کند و نگاهی که به مسائل دارد، تعمیق شود و اصلاح‌طلبان باید تمایل به تغییر بنیادی را در شعارهای خود قرار دهند.

علوی‌تبار گفت: مسؤولیت این وقایع برعهده کسانی است که قدرت چنین تصمیم‌گیری‌هایی را دارد. افراد شورایی نگهبان طرف ما نیستند.

وی با بیان اینکه تنها در این صورت است که می‌توان به سمت کانون قدرت رفت، گفت: این وقایع نشان داد که ما احتیاج به یک رهبري دسته‌جمعی اعلام شده و در دسترس داریم. فرصت کنونی را مغتنم شماریم و هسته کوچک را به عنوان هسته هدایت جبهه وسیع دموکراسی‌خواهی در ایران ایجاد کنیم.

وي افزود: امیدوار باید بود حرکتی که امروز ملت ما و نمایندگان شروع کرده‌اند، یقیناً به پیروزی خواهد رسید. آینده از آن همه کسانی است که در ایران به دنبال دموکراسی هستند و صادقانه آن را دنبال می‌کنند و حاضرند برای آن هزینه بپردازند.
پایان پیام

سولانا: برای من سخت است در پارلمان اروپا رد صلاحیت داوطلبان در ایران را توضیح دهم دوشنبه 22 دی 1382 - 12 ژانویه 2004

به گزارش خبرنگار سرویس دیپلماتیک خبرگزاری کار ایران، ایلنا، وزیر خارجه کشورمان گفت: رد صلاحیت‌های صورت گرفته رایک مسأله داخلی ذکر کرده و گفت: امیدواریم این قضیه به شیوه صحیح حل شود و مقام معظم رهبری، رئیس‌جمهور و رئیس مجلس در حال بررسی و پیدا کردن راه‌حلی در این باره هستند به نحوی که حق کسی ضایع نشود و شورای نگهبان نیز بنا بر وظیفه خود به طور مستدل عدم صلاحیت‌ها را اعلام کند تا حق کسی ضایع نشود و بحران ایجاد نگردد.
خاویر سولانا نیز در این مصاحبه مطبوعاتی به توضیح مذاکرات خود با خرازی پرداخت و گفت: ما مذاکرات خوبی داشتیم و من بسیار خوشحالم که ظرف 20 ماه گذشته، بارها از ایران دیدار کرده‌ام و این نشان می‌دهد که من در حال دیدار دائمی از ایران هستم.
سولانا در خصوص احتمال دخالت وی در مورد داخلی و سیاسی ایران با توجه به نزدیکی انتخابات مجلس گفت: این موضوع صحت ندارد و ما نمی‌خواهیم در امور ایران دخالت کنیم.
وی ادامه داد: ما ایده‌هایی در این رابطه داریم که دخالت نیست و همان‌طور که شما مایلید ما هم مایلیم که انتخابات خوب و سالم و عادلانه برگزار شود.
وی تصریح کرد: برای من سخت است که در پارلمان اروپا توضیح دهم که در ایران افراد رد صلاحیت شده‌اند؛ ما خواستار انتخاباتی با فرایند عادلانه در ایران هستیم.
پایان پیام

متن نامه استانداران به رئیس‌جمهور به این شرح است:

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمد خاتمی
ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران
با سلام و احترام

چنانچه مستحضرد علی‌رغم تأکید مقام معظم رهبری در خصوص رعایت قانون وسعه صدر در بررسی صلاحیت‌ها و تأمین مشارکت حداکثری مردم و تأکید جناب‌عالی بر صیانت از حقوق قانونی داوطلبان و رای دهندگان، رد صلاحیت گسترده داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی توسط هیأت‌های نظارت در حوزه‌های انتخابیه کشور، فرمانداران و استانداران را در شرایط دشواری قرار داده است، به نحوی که پذیرفتن نظرات هیأت‌های نظارت در واقع چشم‌پوشی از حقوق قانونی شهروندان است.
حضور حماسی مردم شریف ایران در انتخابات هفتمین و هشتمین دوره ریاست جمهوری و رای قاطع به جناب‌عالی در واقع گزینش برنامه و خط مشی توسعه همه‌جانبه، متوازن و پایدار بود. یکی از وجوه مهم این برنامه توسعه سیاسی است که شامل تقویت جامعه مدنی و نهادهای آن، توسعه مشارکت عمومی، قانونمداری و پاسداری از حقوق اساسی و آزادی‌های شهروندان و پاسخگو کردن حاکمیت در مقابل مردم است.

جناب‌عالی نیز علاوه بر اعلام مواضع رسمی در این خصوص، سوگند یاد کرده‌اید که: "از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنید" علاوه بر این، فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول نوزدهم تا چهل و دوم به حقوق ملت پرداخته است و قانون انتخابات نیز به صراحت چگونگی تعیین صلاحیت داوطلبان را بیان نموده است. اما نوع عملکرد هیأت‌های نظارت نشان دهنده عدم تقید آنان به نص صریح قانون، برخورد سلیقه‌ای و بدون پاسخگویی است، در واقع هیأت‌های نظارت احراز شرایط قانونی را استنباطی نموده‌اند و کمترین توجهی به روال قانونی پیش‌بینی شده در بررسی صلاحیت‌های داوطلبان نکرده‌اند.
از نظر ما، احراز صلاحیت نهایی داوطلبان پس از تأیید شرایط قانونی به عهده ملت است و کوشش نافرجام‌جانشین کردن هر مرجعی به جای ملت، تبدیل انتخابات آزاد به نوعی انتصاب است که موجب دلسردی مردم، عدم مشروعیت انتخابات و چالش‌های جدی داخلی و خارجی برای نظام جمهوری اسلامی ایران خواهد شد.

کوشش‌های جناب‌عالی و مجلس شورای اسلامی برای تصویب لایحه انتخابات که در واقع تلاشی قانونی جهت تعریف و ضابطه‌مند نمودن نظارت در راستای تقویت مردم‌سالاری دینی بود، ناکام گذاشته شد، صلاحیت تعداد زیادی از معتمدان رد شد و دبیر شورای نگهبان در نامه‌ای به محضر مقام معظم رهبری به گونه‌ای تأسف‌بار و شگفت‌انگیز حداقل موازین حقوقی و شرعی را زیر پا گذاشته و به هتک حرمت وزارت کشور، استانداران، هیأت‌های اجرایی، فرمانداران و بخشداران پرداخت و آنان را متهم به حمایت از متجاهرین به فسق، ساواکی‌ها، وابستگان به رژیم طاغوت، کلاهبرداران و معتادان نمود و اینک همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد هیأت‌های نظارت در کمال بی‌توجهی به نظرات هیأت‌های اجرایی نزدیک به بیش از هشتاد نفر از نمایندگان مجلس و بیش از 3500 نفر از کاندیداها را در سطح کشور رد

صلاحیت کرده‌اند و برخلاف ادعای دبیر شورای نگهبان بیشترین میزان دلایل ارائه شده برای رد صلاحیت‌ها مسائل سیاسی (بندهای 1 و 3 ماده 28 و بند 3 ماده 30 قانون انتخابات) بوده و در موارد قابل توجهی نیز به مدارک معتبر استناد نشده است.

در شرایط فعلی، استانداران سراسر کشور به عنوان نمایندگان عالی دولت که مسئولیت صیانت از حقوق اساسی ملت را بر عهده دارند با درک صحیح از مصالح ملی نگرانی شدید خود را از وضعیت ایجاد شده ابراز و به هیچ عنوان حداقل شرایط لازم را برای برگزاری انتخابات آزاد و سالم که در آن رعایت حقوق آحاد ملت اعم از داوطلبان و رای دهندگان تضمین شده باشد فراهم نمی‌بینند و با توجه به برخوردهای غیر قانونی و یک‌سویه هیاتهای نظارت که عملاً به حذف بخش قابل توجهی از جریانهای وفادار به انقلاب اسلامی و نظام از عرصه انتخابات منجر خواهد شد، مصرانه اقدام عاجل و پیگیری جدی حضرتعالی و نیز عنایت ویژه و دخالت موثر مقام معظم رهبری را برای برگرداندن روال انتخابات به مسیر صواب و طریق قانونی آن خواستارند.

بدیهی است که در صورت عدم حصول نتیجه ظرف مدت یک هفته، تداوم کار استانداران به عنوان نمایندگان عالی دولت در شرایطی که امکان تامین سلامت و آزادی انتخابات و حقوق اساسی شهروندان فراهم نباشد موضوعیت نداشته و از مسئولیت خود کناره گیری خواهند نمود.

محمد علی سبحان اللهی

جمشید انصاری

جواد نگارنده

سید محمود حسینی

کریم شور انگیز

اسماعیل تبادار

علی اکبر رحمانی

محمود زمانی قمی

سید حسن رسولی

فتح الله معین

جعفر رحمانزاده

محمد علی پنجه فولادگران

حسین امینی

محمد ابراهیم انصاری لاری

مسعود امامی

سید حمید طهائی

اسدالله رازانی

محمد علی کریمی ابرقویی

احمد ترک نژاد

اسماعیل دوستی

محمد هاشم مهیمنی

مسعود سلطانی فر

قربانعلی سعادت

عبدالمحمد زاهدی

عبدالحسین مقتدائی

علی اصغر زبردست

حمید کلانتری

پایان پیام

بیانیه چهار روزنامه نگار در حمایت از تحصن مجلسیان

نوشابه امیری، مسعود بهنود، هوشنگ اسدی، سید ابراهیم نبوی

ما اجزای ملتی بزرگ هستیم که آرام ترین و منطقی ترین راه را برای تامین خواسته های خودبرمی‌گزینید. و امروز هم بایدمان گفت که صبر تا کجا. پیدا شد که از صبوری ملت و منتخبانش، هواداران اصالت قدرت به طمع آن می‌افتند که دیگر هیچ حقی برای جز خود قائل نشوند و در این راه به فرموده فردوسی «زبان کسان از پی سود خویش بجویند و دین اندر آرند پیش»

اعتراض به سلب ساده ترین حقوق یک ملت درانتخاب نمایندگان قانونی خود، عادی ترین و طبیعی ترین حق ووظیفه هر شهروند ایرانی است. ما اگر در ایران امروز صبح همه کار می‌نهادیم و به جمع متحصنین در مجلس می‌پیوستیم. هم از این رو به همه مردم پیشنهاد می‌کنیم که به تحصن مجلسیان بپیوندند. داخل مجلس نشد در اطراف آن، دانشجویان در دانشگاه ها، دانش آموزان که حق رای دارند در مدارسشان.

این آرام ترین و مدنی ترین نوع اعتراضی است که می‌توانیم به زیاده خواهی قدرت مداران ابراز کنیم. نوشابه امیری، مسعود بهنود، هوشنگ اسدی، سید ابراهیم نبوی

همه اهل قلم و اهل دل که با این سخن موافقت می‌توانند شرکت خود را در این دعوت با امضای زیر این نوشته نشان دهند.

مجلس هفتم، جنبش فراگیر دموکراسی خواهی و شعار رفاندوم،

نیلوفر بیضایی - یازده ژانویه 2004

www.nbeyzaie.com

عدم شرکت در انتخابات ، از یکسو باعث می‌شود آن بخش از اصلاح طلبان که خواسته‌های دموکراتیک دارند از مدار حکومت کنده و به جنبش مردم نزدیکتر شوند و از سوی دیگر يك "نه" به مشروعیت حکومت اسلامی در کلیت آن است. قدم بعدی حرکت بسوی يك جبهه ي وسیع دموکراسی خواهی و طرح شعار رفاندوم برای تغییر حکومت و تشکیل مجلس مؤسسان برای تغییر قانون اساسی است انتخابات مجلس هفتم یکی از چندین انتخاباتی است که در طول حیات جمهوری اسلامی برگزار شده است و با وجود اینکه بلحاظ ماهوی همچون کلیه ي انتخاباتهای نمایشی برگزار شده در طول حیات حکومت اسلامی ، کاملاً غیردموکراتیک است ، در برهه ای از زمان صورت می‌گیرد که شرکت یا عدم شرکت در آن می‌تواند نقشی کلیدی در سرنوشت ایران و ایرانیان ایفا کند. می‌دانیم که در نظام ولایت مطلقه ي فقیه و حاکمیت اسلام سیاسی و با وجود قوانین برگرفته از احکام شرعی و متناقض با حقوق بشر، نه امکان قانونی تنوع و تکرر اندیشه وجود دارد و نه امکان انتخاب کردن یا انتخاب شدن. آنچه صورت می‌گیرد، در حقیقت رای‌گیری است میان نیروهایی که خود بخشی از سازندگان و حفاظت کنندگان قانون ولی فقیه هستند و هر يك در درگیرهای جناحی از مردم بعنوان ابزاری برای ابراز قدرت به جناح مخالف بهره می‌جوید.

در حکومت اسلامی، هدف نه تامین خواسته های مردم ، بلکه تامین اهداف الهی- فقهی- مافیایی نیروها و جناحهای درون حاکمیت با استفاده از "مردم" است. در این تعریف مردم، امت است و دارای وظیفه در برابر خدا و دین و نمایندگان زمینی ایندو و آنجا که پای حقوق مردم در میان است ، "امت همیشه در صحنه" در مقابل ملت خواستار حقوق فردی ، اجتماعی و سیاسی قد علم می‌کند. از آنجا که در نوشته ای جداگانه به تعریف و مقایسه ي ساختارهای دموکراتیک و ساختار سیاسی تام گرای اسلامی و به تضاد آشتی ناپذیر ایندو به تفضیل پرداخته ام، در این نوشته قصد دارم که بطور مشخص در مورد "انتخابات" مجلس هفتم که در پیش است و علل اهمیت تحریم آن سخن بگویم . اصلاح طلبان حکومتی و هواداران "سکولار" و غیر سکولار آنها که خواهان مشارکت فعال مردم در "انتخابات" آینده هستند، بر چند نکته تاکید دارند.

اول اینکه بر طبق تحلیل آنها بن بست اصلاح طلبی حکومتی ، نه يك شکست، بلکه دوران رکود دیده می‌شود که در نتیجه ي مقاومت "اقتدارگرایان" در برابر اصلاحات و نا امیدی مردم ایجاد شده است. از نظر آنها شرکت فعالانه ي مردم در انتخابات آتی ، حتی اگر برای جلوگیری از "بد" تر شدن وضعیت فعلی انجام پذیرد، بهتر از شرکت نکردن است. در بهترین حالت نیز امید آنها این است که از این امامزاده باز برکتی برسد و در "اصلا حگري" حکومتی، نفسی تازه دمیده شود!

دوم اینکه بر ضرورت شکل گیری نهادهای دموکراتیک بعنوان پیش شرط برقراری دموکراسی تاکید می‌کنند و معتقدند که نهادهای دموکراتیک در همین چارچوب موجود می‌تواند شکل بگیرد و بر این باورند که حضور اصلاح طلبان در دولت به پیشبرد این نهادها و اصلاحات گام به گام یاری می‌رساند. استدلال آنها نیز باز شدن نسبی فضا از زمان دو خرداد است.

سوم اینکه اینگونه تحلیل می‌کنند که عدم شرکت در انتخابات بمعنای انفعال و عقب نشینی مردم است و راهی از پیش نخواهد برد.

به باور من هر سه استدلال بالا دارای ضعفهای بینشی و تحلیلی جدی و بخشا آمیخته به عوام فریبی است که با معکوس کردن جای علت و معلول (در شرایط فعلی) نوک تیز حمله را نه متوجه ساختارهای قانونی ، قضایی ، آموزشی موجود، بلکه متوجه مردمی که در يك چارچوب تحمیلی می‌زیند (به بهانه ي آماده نبودن آنها برای پذیرش دموکراسی!) کرده است و رشد سطح آگاهی و خواسته های مردم را به قصد نادیده می‌گیرد.

استدلال اول در نظر نمی‌گیرد یا به عمد مسکوت می‌گذارد که طرح از پیش شکست خورده ي حکومتی اصلاح طلبان ، تحت عنوان "مردمسالاری دینی" پیش از هر چیز، خود مانع خویش بوده است. این طرح توسط کسانی ساخته شد که از یکسو از حکومت اسلامی که يك قرن در تلاش ایجادش بوده اند، نمی‌خواستند دل ببرند و از سوی دیگر متوجه این نکته شده بودند که مردم روز بروز بیشتر متوجه جای خالی اراده ي خود در حاکمیت الهی می‌شوند. تز مردمسالاری دینی هر چه پیشتر رفت ، مردم را متوجه تضادهای آشتی ناپذیر میان "مردمسالاری" و " دین سالاری" تبعیض آمیز و متناقض با حقوق بشر کرد و بخشهایی از میان خود اصلاح طلبان یا هواداران اصلاحات اساسی را که دل بستگی بیشتر به دموکراسی داشتند ، متوجه این تضادها، قطع امید و جدا شدن جنبش دانشجویی از اصلاح طلبان

حکومتي ، چند دستگي در ميان خود اصلاح طلبان و تاکيد بخشي از آنها بر ضرورت خروج از حاکميت تنها بخشهايي از اين واقعيت تحقق يافته هستند. "دين سالاري" و ديمقراسي ، جمع ناپذيرند و با رشد فزاينده ي جنبش ديمقراسي خواهي در ايران ، تجزيه ي ناگزير جبهه ي دو خرداد به همراه آمد و ضرورت خط کشي جنبش ديمقراسي خواهي با قدرت طلبان چه "مشروع" خواهان (اقتدارگريان) و چه طرفداران "مشروطه ي مشروع" (اصلاح طلبان حکومتي) روز افزون شد. در حقيقت در يك مقايسه ي تاريخي ، همان دو جناحي که بکبار آزمون تاريخي خود را در انقلاب مشروطه پس داده بودند ، باز همان بازي را تکرار کردند و باز آن را باختند. منتها در کمبود متفکرين و روشنگران آگاه و نيروهاي ديمقراسي خواه و سکولار که از عرصه ي حيات سياسي در ايران سالهاست که يا حذف شده اند و يا ناچار به سکوت و يا دنباله روي از اصلاح طلبان حکومتي را سهل تر از حفظ استقلال از آن و جستجوي راههاي نوين پنداشتند ، "مشروطه مشروع" خواهان (اصلاح طلبان حکومتي) خود را "مشروطه خواه" تعريف کردند و بخش عظيمي از "روشنفکران" پوپوليست نيز بر اين تعريف صحه گذاشتند که اين خود مقوله ي ديگرست و مي بايست در جاي ديگر بدان پرداخته شود.

نکته ي دوم ، تاکيد گروههايي از اصلاح طلبان يا پيروان آنها بر ضرورت شکل گيري نهادهاي مدني است که به خودي خود امري درست است. اما نتيجه گيري اين دوستان که پس زمان لازم است تا اين نهادها تشکيل و مردم ايران دمکرات شوند و اينکه پس بايد در انتخابات شرکت کرد و به اصلاح طلبان راي داد ، اشکال اين معادله است.

در کشوري با نظامي چنين تام گرا و سرکوبگر و با وجود بدل سازان حرفه اي حکومتي از هر دو جناح که در نهادسازي بنام مردم خيره اند و کار آموخته و با توجه به اينکه نهادهاي واقعا مستقل از حکومت هنوز شکل نگرفته به اشکال گوناگون حذف و سرکوب مي شود ، در حالیکه بمحض اينکه چند نفر دور هم جمع مي شوند ، تحت عناوين گوناگون از تجمع آنها جلوگیری مي شود ، در شرايطي که اگر هم نهادي تشکيل شود ، با انواع حربه ها نيروهاي کار آموخته ي نظام توتاليتري چه بصورت مشارکت ، چه بصورت عامل بازدارنده ، چه بصورت بدل سازي ... از گسترش و انعکاس صداي آن جلوگیری مي شود ، چنين آرزويي عملي نمي شود. فراموش نکنيم که در چنين نظامي هيچ چيز از نظر حکومتگر پنهان نيست و از دست او در نمي رود ، بلکه حتي گشايش فضاهاي خاص به قصد بستن فضاهاي ديگري انجام مي شود که براي تداوم حيات حکومت (مصلحت نظام) مهمتر است. درست است که مردم از هر فرصتي براي نفس کشيدن استفاده مي کنند که حق طبيعي آنهاست ، اما ايجاد اين توهم که ساختار سياسي در حال دمکراتيزه شدن است ، خطر بسيار جدي و گمراه کننده براي جنبش ديمقراسي خواهي ايران است. بايد در نظر گرفت که با توجه به فشار بين المللي بر حکومتهاي نظير حکومت اسلامي و با در نظر گرفتن روند جهاني شدن ، وادادن ها و عقب نشيني ها هزينه هايي است که حکومتهاي ديکتاتوري براي حفظ حيات خود بناچار مي پردازند ، اما اين بهيچوجه نشانه ي دمکراتيزه شدن آنها در روابط درون کشوري نيست ، بلکه تنها "شبه ديمقراسي" توأم با سرکوب و حذف و توهم زايي بدون تغيير واقعي و بنيادين بسوي ديمقراسي است.

در حال حاضر و به توجه به فشاري که از همه سو بر حکومت اسلامي وارد مي شود ، حتي در صورتي که جناح راست (اقتدارگرا) در مجلس اکثريت بيابد ، فضا بسته تر از اين که هست نمي تواند بشود. نقشه هاي اين جناح مبني بر طرح راهکارهايي براي گشايش اقتصادي و غلبه بر بحران اقتصادي ، بدون نظر بازگران بين المللي ممکن نيست. همانگونه که عقب نشيني اين جناح در برابر فشارهاي خارجي و امضاي پروتکل الحاقی ، تحويل اعضاي القاعده ... نشان داد ، جناح اقتدارگرا نيز خواهان بدتر شدن اوضاع نيست ، بلکه عقب نشيني کرده است و در صدد ارائه ي يك چهره ي جديد از خود است. تاکيد اخير امثال لاريچاني ، شيباني و طيفهاي راست که اينبار نه با اسلام گرايي محض ، بلکه با آکادميک نمايي به صحنه وارد شده اند بر برنامه هاي گسترده ي اقتصادي و "کارشناسانه" ، نخيه سازي و "مدرن" نمايي اقتصادي ، تکیه بر تئوريسين هاي آکادميک ، اما در خدمت ساختار تام گرا ، نظارت مستقيم تر بر مراکز تحقيقي و علمي ، در عين حال استفاده ي يك ادبيات جديد که در آن کمتر از الفاظي چون "اسلامي" و بيشتر از واژه هاي نظير "ايراني" (توجه شود به تشکيل جبهه وفاق اسلامي در چند روز گذشته) ، بعبارت ديگر تغيير چهره ي نظام از توتاليتري به اتوريتري ، از برنامه هاي آينده ي جناح اقتدارگرا است. آن بخش از اصلاح طلبان که مي خواهد به هر قيمتي شده در قدرت بماند و "مدال" گشايش فضاي سياسي را براي چهره آرايي به خود اختصاص داده است ، ظرفيتش تکميل است و چون با جناح اقتدارگرا منافع مشترک دارد (حفظ حکومت اسلامي) ، حتي اگر در مجلس بماند ، در اين بازي جديد شريك اقتدارگريان خواهد بود .

در انتخابات مجلس هفتم ، مصلحت نظام (هر دو جناح) در برابر افکار بين المللي ايجاب مي کنند که با استفاده از شرکت گسترده ي مردم در انتخابات بر "مشروعيت" خود مهر تاييد بزنند. نتيجه مهم نيست ، شرکت مهم است . در نتيجه آنها که پيشنهاده مي کنند ، مردم شرکت کنند ولي کاغذ سفيد به صندوقهاي راي بيندازند ، از آنجا که تضميني براي اعلام دقيق تعداد راي هاي سفيد وجود ندارد و ممکن است اين راي ها بين دو جناح تقسيم گردد (!) ، پيشنهاده عاقلانه اي نکرده اند. تاکيد بر ضرورت مبارزه ي مسالمت آميز ، بخودي خود مثبت است . کدام ملت است که در جهان امروز نخواهد گذار به ديمقراسي بدون خونريزي و کشتار انجام شود. اما اين مردم نيستند که خشونت اعمال مي کنند ، بلکه حکامي هستند که خواسته هاي بر حق مردم را تاب نمي آورند و از روش حذف فيزيکي

یا فکری برای حذف صداهای مخالف سود می‌جویند. اعتراض، تظاهرات، تجمع، اعتصاب و طرح خواست‌های فراندوم، دموکراتیک‌ترین روش‌های مبارزاتی مردمی هستند که خواهان پایان دادن به استبداد و برقراری دموکراسی هستند. آنها که به بهانه‌ی مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز، حق یک ملت را در "نه" گفتن به استبداد حاکم بزرگ سوال می‌برند و حق دموکراتیک اعتراض‌علنی به حکومت‌های استبدادی را در کل نقض می‌کنند، به مسالمت‌آمیز پیش رفتن روند کمکی نمی‌کنند، بلکه جامعه را بسوی یک انفجار غیر قابل کنترل سوق می‌دهند. مبارزه‌ی مسالمت‌آمیز یک انتخاب است و ملت ایران آن را برگزیده تا بر تکرار روند خشونت در حیات سیاسی ایران مهر بطلان بزند، اما نمی‌گذارد به بهانه‌ی این تصمیم، به سکوت و انفعال واداشته شود.

عدم شرکت در انتخابات، از یکسو باعث می‌شود آن بخش از اصلاح‌طلبان که خواست‌های دموکراتیک دارند از مدار حکومت‌کننده و به جنبش مردم نزدیکتر شوند و از سوی دیگر یک "نه" به مشروعیت حکومت اسلامی در کلیت آن است. قدم بعدی حرکت بسوی یک جبهه‌ی وسیع دموکراسی‌خواهی و طرح شعار فراندوم برای تغییر حکومت و تشکیل مجلس مؤسسان برای تغییر قانون اساسی است. تبدیل این شعار به یک پروژه‌ی ملی، بستگی به اراده و یکپارچگی تمام نیروهای دموکراسی‌خواه دارد. در این مسیر راه حل برای نیروهای سکولار خارج، نه بدیل‌سازی (آلترناتیو حکومتی) آنهم به شکل قبیل‌های و لشکرکشی‌های سنتی - سازمانی و انتظار فرصت برای ورود به بازی قدرت در چارچوب کنونی یا از طریق تقویت جناح‌های قدرت طلب حکومتی، بلکه تقویت نیروهای سکولار و مستقل از حاکمیت در داخل و کمک به جبهه‌ی فراگیر دموکراسی‌خواهی مردم است که مطمئناً نه از درون جناح‌های موجود حکومتی، بلکه در همدلی، همیاری و تقویت صدای مستقلین سکولار است که آوای فراندوم را از زمزمه‌های آنان می‌توان شنید، اگر درست گوش بدهیم و اگر بجز برقراری دموکراسی در ایران، هدف دیگری نداشته باشیم.

اگر خواهان آن هستیم که ملت ایران خود سرنوشت خویش را در دست بگیرد و تعیین کند، باید بر اهمیت آنچه در پیش است، تأکید ورزیم و همچنین از دام‌ها که یکی پس از دیگری برای ملت ایران می‌گسترانند، بر حذر داریم. جایز نیست که این جنبش به عقب بازگردد. حرکتی که آغاز کرده، تنها می‌تواند و می‌بایست رو به جلو باشد. باید این راه را رفت، تا دیر نشده و تا هنوز فرصتی هست. شرایط برای جنبش دموکراسی‌خواهی ایران، از این مهیا تر نخواهد شد ...

متن کامل بیانیه تحلیلی شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت

دفتر تحکیم وحدت ضمن به چالش کشیدن مدافعان شرکت در انتخابات، نه تنها دلایل و توجیحات کافی برای شرکت در انتخابات را درنیافته است بلکه حتی عدم شرکت در انتخابات را چه بسا مفیدتر و مناسب تر ارزیابی می‌نماید

شک نیست که فضای سیاسی کشور در ماه‌های آینده، برای ایران عزیزمان به علت در پیش رو داشتن انتخابات دوره هفتم مجلس شورای اسلامی، فضایی پر التهاب و در عین حال با اهمیت خواهد بود و اگرچه شاید نتیجه این انتخابات در سرنوشت اداره کشور اهمیت چندانی نداشته باشد، اما فضای حاصل به عنوان نقطه عطفی در روند تحولات سال‌های اخیر از اهمیت بسزایی برخوردار است. شاید کمتر انتخاباتی در سال‌های اخیر بوده است که اینچنین شرکت یا عدم شرکت در آن برای بخش قابل توجهی در جامعه تردید و شک ایجاد نموده باشد و ملت ایران را که از سویی به نقطه تعیین‌کننده نارضایتی از حاکمیت رسیده‌اند و از سوی دیگر دنگران منافع ملی و سرنوشت خود و کشورشان می‌باشند و از طرفی تجربه 7 ساله اخیر اصلاحات حکومتی نیز گره‌های از کار فروماندشان نگشاده است، در دوراهی جدی اتخاذ تصمیمی سرنوشت ساز و تعیین‌کننده برای شرکت و یا عدم شرکت قرار داده است تصمیمگیری در این امر مستلزم تحلیل دقیق فواید و مضار هر کدام از این دو راه می‌باشد که در این تحلیل نیز اولین قدم شناخت پیش‌فرض‌های هر کدام از طرفین و تحلیل آنهاست. در این میان جنبش دانشجویی که دیگر جایگاه خود را در منازعات سیاسی به خوبی شناخته و مصممانه تصمیم خود بر دوری از قدرت و اجتناب از بازیهای قدرت را جامه عمل پوشانده است خوب میدانند که جدا از هر تصمیمی مبتنی بر شرکت یا عدم شرکت در انتخابات، نه در منازعات مربوط به احزاب و گروه‌ها بر سر ورود فلان لیست یا فلان شخص وارد میشود و تجربه اشتباه خود در مجلس ششم را تکرار میکند و نه فردی و یا لیستی ارائه میدهد و نه کاندیدایی عرضه میدارد و بر سر عهد و شعار کلیدی خود مبتنی بر دوری از قدرت ایستاده و خواهد ایستاد.

اما به هر حال مجموعه دفتر تحکیم وحدت و جنبش دانشجویی، در این هنگامه سرنوشت‌ساز و در مقوله مهمی چون انتخابات مجلس هفتم، پس از فراز و فرودهای تجربه شده در 7 سال اخیر، قطعاً نمیتواند تنها مانند ناظری منفعل، کنج عافیت گرفته و سر در جیب خویش فرو برد که در آن صورت نیز در برابر وجدان ملت و تاریخ تحولات کشور باید پاسخگویی انفعال و سکوت محافظهکارانه‌اش باشد. بنابراین اگرچه شاید بنا به دلایلی چون فشارهای خردکننده حاکمیت و تهدیدها و هزینه‌های کمرشکن اصحاب قدرت نتواند همه آنچه را که به تحلیل و تصمیم رسیده و یا خواهد رسید و همه دلایل و حرف‌های خود را بی پروا و بی‌واهمه بزند و نهایتاً نیز ناچار از مصلحت‌سنجی‌های خود و ملت خواهد بود و ناچار است که در این گذرگاه تنگ عافیت، بسیاری از گفتنی‌ها را فرو گذارد اما قطعاً در این میان منفعلانه سکوت نخواهد ورزید و نسبت به این امر بیتفاوت نمیتواند باشد.

لذا بر خود فرض میدانیم که مقتدرانه دیدگاههای مطروحه این مقوله را به چالش کشیده و از منظر گفتمان انتقادی و باکنار گذاشتن تعارفات، در حد ممکن، با پرهیز از هیجانسازیهایی رایج در 6، 7 سال اخیر ارزیابی خود از این انتخابات را عرضه داریم و با توجه به زمان پیش رو تا انتخابات، ضمن شنیدن نظرات مخالف و موافق، تصمیم نهائی خود را به آینده موکول نمائیم و قطعاً قضاوت غایی در این امر بر عهده ملت شریف ایران میباشد.

انتخابات و دموکراسی

مسیر سعادت و رفاه و پیشرفت کشور و احقاق حقوق ملت، جز از طریق مبارزه برای تحقق دموکراسی و پایبندی به دفاع از حقوق بشر و مقید بودن به اخلاق و شرافت انسانی نخواهد گذشت و بر همین اساس چنانچه بارها و بارها اعلام گردیده است، تلاش در جهت تحقق دموکراسی و دفاع از برابری و آزادی بر پایه حقوق بشر نه فقط چاره ناگزیر و بیدیل پیش رویمان در دنیای امروز برای حصول به رفاه و پیشرفت، که آرمان ما در مسیر حرکت و مبارزه‌مان است و لذا هر استراتژی و راهکار و ابزاری که مقوم این امر نیز باشد قطعاً به عنوان راهکار و استراتژی و تاکتیک جنبش دانشجویی مد نظر قرار خواهد گرفت و از همین منظر میتوان پذیرفت که یکی از ابزارهای اصلی و مهم حصول به دموکراسی، انتخابات آزاد و رجوع به افکار عمومی و عقل جمعی است.

اما سؤال اساسی اینجاست که آیا برگزاری صرف انتخابات و شرکت در این انتخابات، آن هم انتخاباتی که نه حق انتخاب شوندها برای انتخاب شدن آزاد، به رسمیت شناخته میشود و نه حق انتخابکنندگان برای انتخاب افراد مورد نظرشان یا دیدگاههای مورد رأیشان، از سوی متولیان حکومت پذیرفته میگردد و نه برای انتخاب شدگان حقی و اجازه‌های و نقشی برای تعیین سرنوشت و تغییر و اصلاح امور در اداره کشور از سوی حاکمیت شناخته میشود، میتواند در فرایند تقویت دموکراسی در کشور تاثیرگذار باشد؟ و آیا اتفاقاً انتخاباتی پی در پی از سوی ساختاری که خود مانع و رادع بر سر دموکراسی است، توجهی مشروعیت بخش برای حاکمیت و ابزاری در دست صاحبان قدرت در جهت تضعیف و تحریف دموکراسی نیست؟

آیا صرف قرار دادن صندوق رای و راه اندازی بازی انتخابات، در برگیرنده مفهوم انتخابات است؟ فراموش نکنیم که در دیکتاتوری صدام نیز شمار انتخابات برگزار شده کم نبود و حتی تعداد شرکت کنندگان نیز در سایه حکومت پلیسی وی، کم شمار نبود. اما هیچ يك از آنها به عنوان حرکت رو به جلو در مسیر تحقق دموکراسی تحلیل نشد و اصولاً دموکراسی به عنوان تحقق اراده جمهور ملت اگرچه قطعاً نیازمند انتخابات برای شناخت رأی مردم میباشد، اما نه صرف انتخابات تحقق بخش اراده و خواست ملت است -هرچند که گاه نشان از تجلی رأی ملت دارد- و نه هر انتخاباتی را میتوان در این راستا ارزیابی نمود. بنابر این در قدم اول، دعوت کنندگان به شرکت در انتخابات باید این سوال مهم و اساسی را پاسخ گویند که اولاً با چه تضمینی و چه تحلیلی، انتخابات اخیر پیش رو را تحقق بخش اراده ملت و تقویت کننده فرایند دموکراتیزاسیون میدانند. ثانیاً چه دلیلی و تضمینی بر امکان انتخاب آزاد و موثر و عادلانه برای ملت (با وجود سابقه اقتدارگرایان) سراغ دارند که این چنین شرکت در این انتخابات را در مسیر پیشبرد دموکراسی ارزیابی مینمایند؟ و این تازه با این پیشفرض که رد صلاحیتهای صورت گرفته در انتخابات مجلس ششم نشتم نباشد و با نگاهی خوشبینانه، حاکمیت به شکلگیری مجلسی چون مجلس ششم رضایت دهد، که البته بنا بر شواهد و ظواهر، ردصلاحیتهای نیز بسیار گستردهتر از قبل بوده و حتی اکثریت نمایندگان فعلی مجلس نیز توسط شورای نگهبان رد صلاحیت شده و خواهند شد و با فرض نگاه نسبیگرایانه (و نه مطلقگرایانه) به هر کنش سیاسی، و به فرض پذیرش تلویحی محاسن و اثرات مثبت نسبی، آیا شرکت در انتخابات در جهت تقویت دموکراسی، بخشیدن مشروعیت تلویحی به ساختار نظام برگزارکننده انتخابات نیست؟ به ویژه با در نظر گرفتن این واقعیت که ابزارهای قدرت و وسایل تبلیغات جمعی نیز در اختیار حاکمیت میباشد و در این بین دلیل ترجیح حسن نخست به شر اخیر چیست؟

شرکت در هر انتخابات در دل يك سیستم در کنار انجام يك حرکت به ظاهر مدنی و دموکراتیک، به دوام و قوام آن سیستم و ساختار نیز کمک میکند. مگر آنکه انتخابات پیش رو، انتخابی ساختاری و مبنایی باشد و لذا شرکت در انتخاباتی غیر ساختاری در نظامی غیر دموکراتیک تنها زمانی الزام آور بوده و توجیه منطقی خواهد داشت که مطمئن باشیم این انتخاب حسنش افزون بر مضارش بوده و افراد انتخاب شده توانایی تضعیف و پس زدن ساختارهای غیر دموکراتیک حاکمیت را خواهند داشت. در غیر این صورت، آن انتخابات چیزی جز يك ژست و يك ویتترین به ظاهر دموکراتیک نیست و ظلمی دیگر به مفهوم انتخابات و دموکراسی خواهد بود.

میزان اثر گذاری مجلس در اداره امور

این اصل مسلم عقلی پذیرفته شده است که اقدام به عملی لغو و بیهوده و بی اثر، چیزی جز از دست دادن توان و انگیزه و از دست رفتن سرمایهها نخواهد بود و طبیعتاً انجام کاری بی اثر، نامعقول و غیر منطقی مینماید. بنابراین در انجام هر عملی باید یا موثر بودن و راهگشا بودن آن عمل مسلم شود و یا حداقل امیدي بر این تاثیر وجود داشته باشد و از اینجاست که در بحث انتخابات نیز معتقدیم که یا باید اطمینان بر تأثیر رأی ملت در اداره امورشان و تعیین سرنوشتشان داشت و مطمئن بود که نمایندگان منتخبشان توان و اجازه و اختیار تغییر روشهای ناصواب و اصلاح امور و قوانین را خواهند داشت و یا لاقلاً امیدوار بود که ابزارها و شرایط پیش رو امکان چنین اصلاحاتی را برای ملت و نمایندگان ملت فراهم خواهند آورد.

حال افرادی که رأی ملت در انتخابات مجلس در اداره امور را مؤثر میدانند، با توجه به تجربه مجلس ششم و چند سال گذشته باید اثبات کنند که یکی از دو حالت اطمینان و امید فوق الذکر برای ملت محقق بوده و قابل اتکاست. فراموش نشود که کار مجلس تصویب قوانین و اصلاح روندها و رویهها در جهت اراده و خواست ملت و بهبود معیشت و کاهش آلام مردم است و برای ابراز انتقادات و مخالفتها و اعتراضات به رویهها و قوانین و یا نگاشتن نامه اعتراضی به رئیسجمهور و رهبر و ملت و صدور بیانیهها و انجام تحصنها و اعتراضات، اگرچه مجلس ابرازی قوی است، اما این مقولات را در جایی خارج از مجلس نیز میتوان پیگیری نمود و چه بسا اثرگذاری آن از طرف يك اپوزیسیون، افزون نیز باشد.

بنابراین، هرچند که منصفانه باید نقش مجلس ششم در بیان انتقادات و اعتراضات و حرف ملت شجاع از تریبونهای مجلس را ستود و عمل ایشان را ارج نهاد و نباید از نقش تریبونی مجلس برای حداقل ابراز مطالبات ملت (و نه تحقق آن) غافل شد. اما در بررسی فواید و اثرگذاری مجلس تنها نمیتوان به خاطر این نقش، اراده توده ملت را به پای صندوقهای رأی کشاند. آیا قانون اساسی فعلی با در داشتن نهادی چون شورای نگهبان و تفاسیرش و به رسمیت شناختن مقامی فرافانونی و حکمهای حکومتی جایی برای دموکراتیزه شدن و اصلاح در این راستا بیش از آنچه که تا کنون اتفاق افتاده، گذاشته است. با نگاه واقع بینانه و نه ذهنی خوشبینانه، در کشوری که بیش از 60% اقتصاد آن و حدود 68% واردات و صادراتش در اختیار نهادهای و بنیادها و ارگانهای خارج از امر و نظارت مجلس و دولت به سر میبرند چه نقش تعیین کنندهای برای مجلس میتوان انتظار داشت. با نگاهی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی به خوبی میتوان دریافت که این قانون حتی يك قانون مشروطه نیز نبوده و دموکراسی به قانون اساسی دوران مشروطه نیز عقبتتر است و اگر در قانون اساسی مشروطه، قدرت با رأی و اراده جمهور ملت مشروط و مقید و محدود میگردد، در قانون اساسی فعلی این قدرت است که اراده ملت را صحیح و مشروع و قابل اعتنا میباید و رأی و نظر اکثریت را با اراده خود محدود و مقید مینماید و اوست که اجازه دارد هر زمان که اراده و رأی ملت را ناصواب تشخیص دهد به بهانه نامشروع بودن، کان لم یکن تلقی نماید، همچنین در قانون اساسی مشروطه، بالاترین مقام تصمیم گیرنده و قانونساز مجلس و پارلمان میباشد در حالی که در نظام حاکم فعلی مجلس نمیتواند در تصمیمگیریهای اصلی نقشی تعیینکنندهای داشته باشد و تصمیم نهایی بر عهده مقام رهبری و یا نهادهای منصوب ایشان اعم از شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت میباشد این تازه پایگاه حقوقی رهبر در قانون اساسی است و از دیدگاه رژیم حقیقی (چنانچه رهبری نیز اشاره کرده) تا کنون از همه اختیاراتش استفاده نکرده است، که البته فراتر از این نیز میباشد.

بنابراین مقایسه شرایط قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی با نظام مشروطه انگلیس چه از نظر رژیم حقوقی به دلیل مشروطه نبودن قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی و چه از حیث رژیم حقیقی و چه به لحاظ میزان ایدئولوژیک بودن این دو نظام، قیاسی معالفارق است.

انتخابات مجلس و حاکمیت دوگانه

یکی از توجهات مطروحه جهت شرکت در انتخابات مجلس تقویت حاکمیت دوگانه برای حضور در قدرت و تداوم فعالیتهای سیاسی و تقویت جامعه مدنی ذکر میگردد و با این پیش فرض برای جلوگیری از تمرکز قدرت، شرکت در انتخابات از سوی ایشان توصیه میشود.

حاکمیت دوگانه، مانند باقی ماندن در روی پل است و استفاده از پل تنها برای دوان گذار توجیهپذیر میباشد اما آیا باقی ماندن مداوم بر روی پل مطلوب است یا امری است که جای بحث دارد؟

به هر حال هر حکومتی حتی به صرف حفظ قدرت، میبایست کارهای روزمره اداره کشور را نیز انجام دهد و در صدد رفع مشکلات باشد و وجود حاکمیت دو گانه اگر چه در کوتاه مدت توجیهاتی میتواند داشته باشد ولی در دراز مدت ثمری جز معطل ماندن امور و ائتلاف سرمایههای اجتماعی و اقتصادی و گذراندن باری به هر جهت روزگار، نخواهد داشت؛ از سوی دیگر با توجه به تجربه سالهای اخیر و بعد از دوم خرداد 1376 و وجود حاکمیت دوگانه در کشور در این سالها، آیا جریان اصلاح طلبی از بعد تقویت جامعه مدنی طرفی بسته است؟ آیا یکپارچه شدن حاکمیت و قرار گرفتن يك تته جریان اقتدارگرا در برابر سیل مطالبات روز افزون جامعه، خود نمیتواند امکان عقب نشینی حاکمیت و به تحلیل رفتن توان این جریان را فراهم کند؟

حفظ، تشکیل، تداوم و تقویت جامعه مدنی، امری نیست که تابع قدرت باشد، بلکه بیشتر این جامعه مدنی است که تقویت کننده ساختارها و تفکرات دموکراتیک است و نمایندگان مجلس هم در صورتی حرف حقی را بیان میدارند و از حقی مجدانه دفاع خواهند نمود که جامعه مدنی قویای برای ایجاد فضای لازم و حمایت از آن حضور داشته باشد و عکس آن کمتر مصداق دارد. حال باید ارزیابی نمود که آیا با این شرایط جامعه مدنی در هنگامه انتخابات دوم خرداد 76 و 29 بهمن ماه 78 قویتر بوده یا در شرایط حاضر و پس از هفت سال حاکمیت دوگانه؟

و آیا شاخصهای معرف جامعه مدنی به طور واقعی و نه فقط آماری، در سالهای اخیر بیشتر رشد یافته یا در سالهای قبل از دوم خرداد 76؟ وجود حاکمیت دوگانهای که نهایت تقابل آن راه انداختن دعوا بر سر دادستان تهران بوده و دست آخر نیز ثمری از این منازعه برای بخش اصلاح طلب حاکمیت حاصل نگردیده است، کجا میتواند زمینساز وادار ساختن پخش اقتدارگرا به تمکین رأی و نظر ملت باشد و این ساده انگارانه است که وجود حاکمیت دو گانه را مقوم جامعه مدنی ارزیابی کنیم و از دلزدگیها و ایجاد آسها و نا امیدیهها و فروپاشی اعتماد عمومی و متعاقب آن از بین رفتن هویت جمعی جامعه، و حدوث

بیتفاوتی در میان ملت نسبت به تحولات آینده که حاکمیت دوگانه قطعاً در به وجود آمدن چنین فضایی نقش داشته است چشم فرو پوشیم علاوه بر آنکه بودن در قدرت به ناچار اجبارهایی بر پذیرش برخی الزامات حاکمیت ایجاد خواهد نمود. نباید از نظر دور داشت که در عرصه فعالیت سیاسی و تدبیر امور، مهمترین سرمایه، اعتماد عمومی است و این سرمایه را نباید بیش از این به دامن بیتفاوتی و انفعال و بیاعتمادی سوق داد و آنچه که در سیاست بیش از همه قدرت را مهار میکند، قدرت جنبشهای اجتماعی است نه قدرت حاکمیت دوگانه. علاوه بر این رذله‌های گسترده‌ای که حتی مدافعان قانون اساسی و نواب مجلس را نیز واحد صلاحیت برای حضور در مجلس نمیداند را در نظر داشت که در این صورت پیش فرض امکان شکلگیری و تقویت حاکمیت دوگانه نیز منتفی خواهد بود و در کنار همه این موارد باید فوایدی چون :

- 1- کاهش مشروعیت ساختارها و روشهای غیر دموکراتیک حکومت
 - 2- پالایش نیروهای جبهه اصلاحات از نیروهای فرصت طلب
 - 3- امکان حفظ و تقویت اعتماد عمومی برای جنبش اجتماعی
 - 4- ایجاد امکان تشکیل جبهه قوی اپوزسیون برای پیگیری مطالبات ملت
 - 5- امکان بیان مطالبات صریح ملت به دور از تعارفات و الزامات حضور در دایرة قدرت
- را نیز از نظر دور نداشت.

بنابراین با توجه به توضیحات و سؤالات مطرح شده، دفتر تحکیم وحدت ضمن به چالش کشیدن مدافعان شرکت در انتخابات، نه تنها دلایل و توجیحات کافی برای شرکت در انتخابات را درنیافته است بلکه حتی عدم شرکت در انتخابات را چه‌بسا مفیدتر و مناسبتر ارزیابی مینماید. بنابراین فرصت باقی مانده تا انتخابات را زمان مناسبی برای نقد دیدگاههای خود و رفع تردیدها و شبههها میدانند تا از دل مباحث مطروحه امکان تصمیمگیری خود بهتر فراهم گردد و قطعاً تصمیم گیرنده نهایی ملت ایران است. باشد که منافع ملی و سرنوشت کشورمان را فدای هیجان سازیها و ارزیابیهای احساسی و منافع حزبی و فردی خویش نسازیم.

والسلام
جمعه 82/10/19

انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاههای:

صنعتی شریف، علامه طباطبایی، امور اقتصادی و دارایی، الزهرا، خواجهنصیرالدین طوسی، تربیت معلم تهران، شیراز و علومپزشکی شیراز، علوم پزشکی ایران، شهرکرد، علوم پزشکی شهرکرد، صنعتی امیرکبیر، علم و صنعت ایران، سیستان و بلوچستان، شهید رجایی، شهید عباسپور، تربیت معلم آذربایجان، سهند تبریز، مخابرات، زنجان، علوم پزشکی اردبیل، رازی کرمانشاه، علوم پزشکی کاشان، اصفهان و علوم پزشکی، صنعتی اصفهان، کردستان، علوم پزشکی کردستان، تربیت معلم سبزوار، علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، صدوقی یزد، دانشگاه یزد، فردوسی مشهد، علوم پزشکی هرمزگان، ایلام، بوعلی سینا همدان و علوم پزشکی، ارومیه، زابل، محقق اردبیلی، تربیت مدرس، پیام نور صومعه سرا، پیام نور خدابنده، یاسوج

هشدار معاون خاتمی

بی بی سی - دوشنبه 22 دی 1382 - 12 ژانویه 2004

محمد ستاری فر، معاون رئیس جمهور ایران، گفته است که اگر دولت احساس کند در انجام وظایفی "مثل دفاع از حقوق مردم و برگزاری انتخابات سالم کوتاهی شده است، ماندن را جایز نمی داند." به گزارش خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) آقای ستاری فر افزوده دولت "وقتی نتواند آزادی را به مردم ارایه کند چه استعفا بدهد و چه ندهد، خود به خود مستعفی است." سخنان آقای ستاری فر ساعاتی پس از اظهارات آیت الله خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی، عنوان می شود که در سخنانی در ملاقات با وزیر کشور و استانداران مداخله خود در مساله رد صلاحیت گروهی از داوطلبان شرکت در انتخابات آینده مجلس توسط شورای نگهبان را در مرحله کنونی مردود دانست.

آقای خامنه ای با اشاره به انتقاد گروهی از استانداران از نتایج بررسی صلاحیت نامزدهای انتخابات توسط هیات های نظارت شورای نگهبان گفت که "طبعاً هیات های نظارت نیز در مورد عملکرد استانداران و هیات های اجرایی (وابسته به وزارت کشور) حرف هایی دارند اما بنده نه وکیل مدافع آنها هستم و نه وکیل مدافع شما بلکه وکیل مدافع قانون و در درجه اول قانون اساسی هستم و تاکید می کنم که در همه احوال فقط باید قانون را رعایت کرد."

روز یکشنبه، 11 ژانویه، گروهی از استانداران اعلام کرده بودند که در صورتی که ظرف یک هفته رئیس جمهوری به مساله رد صلاحیت ها توسط شورای نگهبان رسیدگی نکند، از سمت خود استعفا خواهند داد.

رهبر جمهوری اسلامی افزود که "این منطقی نیست که هرچا قانون مطابق میل ما بود آن را قبول کنیم و هرچا منافع ما را تامین نکرد آن را رد کنیم."

وی اظهار داشت که در مساله اختلاف بر سر بررسی صلاحیت ها، شورای نگهبان و وزارت کشور هرکدام می گویند که به قانون عمل کرده و طرف دیگر را به تخلف از قانون متهم می کنند. آقای خامنه ای دخالت خود در این مرحله از اختلاف بین شورای نگهبان و وزارت کشور را رد کرد و گفت که "اگر کار از مراحل قانونی بگذرد و به جایی برسد که نیازمند تصمیم رهبری باشد براساس تشخیص وظیفه، عمل خواهیم کرد."

وی افزود که "معنای این مساله این نیست که اگر صلاحیت کسی را هیات های اجرایی تایید و هیات نظارت رد کردند و یا برعکس، رهبری بیاید میان آنها داوری کند چرا که در این مرحله، مجرای قانونی وجود دارد."

وی بر اجتناب از تشنج تاکید کرد و گفت که "عده ای از چندی قبل تهدید به تشنج کرده اند بنابراین همه، از جمله استانداران، موظفند مراقب آرامش جامعه باشند و با کسانی که با بهانه گیری به دنبال جنجال و ایجاد تشنج هستند مقابله کنند."

رسیدگی رییس جمهوری

روز یکشنبه، 11 ژانویه، گزارش شد که هیات های نظارت وابسته به شورای نگهبان گروه کثیری از داوطلبان شرکت در انتخابات آینده مجلس را که صلاحیت آنان به تایید هیات های اجرایی رسیده بود رد کرده است.

گروهی از نمایندگان جناح اصلاح طلب در مجلس کنونی در میان رد صلاحیت شدگان هستند. رد صلاحیت این گروه از داوطلبان به تحصن اعتراض آمیز حدود هشتاد تن از نمایندگان در راهروهای مجلس منجر شد که روز دوشنبه هم ادامه داشته است.

همزمان، محمد خاتمی، رییس جمهوری، یک هیات پنج نفره را مامور بررسی موضوع رد صلاحیت ها کرده که قرار است گزارش خود را به هیات دولت تسلیم کند.

معلوم نیست دولت در نظر دارد نتایج این بررسی را به چه صورت مورد استفاده قرار دهد و اختیارات رییس جمهوری برای دخالت در روند تعیین صلاحیت ها توسط شورای نگهبان در چه حدی است. همچنین چند عضو شورای عالی امنیت ملی هم موضوع رد صلاحیت ها را بررسی خواهند کرد.

سفارش کروی

با ادامه تحصن معترضین به رد صلاحیت ها در روز دوشنبه، 12 ژانویه، چند تن از نمایندگان دوره کنونی نیز که صلاحیت آنان مورد تایید شورای نگهبان قرار گرفته است به منظور همبستگی با تحصن کنندگان در جمع آنان حضور یافتند.

همچنین، مهدی کروی، رییس مجلس، روز دوشنبه در جمع تحصن کنندگان در مجلس حاضر شد و برای آنان سخنرانی کرد.

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا - آقای کروی از متحصنین خواست تا مطالبات خود را از راه قانونی پیگیری کنند و افزود که "کارهای خلاف قانونی که صورت گرفته باید جبران شود و این کار باید از مسیر قانونی خود انجام شود."

رییس مجلس گفت که چندین بار با رییس جمهوری تماس گرفته و قرار است این مساله را در ملاقات بعد از ظهر روز دوشنبه با آقای خاتمی بررسی کند.

وی گفت که "گروه های سیاسی خود باید تلاش و فعالیت کنند و از رانت وزارت کشور و شورای نگهبان نمی توان استفاده کرد و شورای نگهبان و وزارت کشور به تعبیر مقام معظم رهبری داور هستند."

آقای کروی مجدد خواستار جلوگیری از بروز تنش شد و ابراز امیدواری کرد که انتخابات آینده مجلس گرم و پرشور برگزار شود.

سخنان حجاریان

همچنین، گزارش شده است که احمد خرم و محمود جتعی، وزیران راه و ترابری و جهاد کشاورزی، محسن امین زاده، معاون وزارت خارجه و سعید حجاریان، از فعالان اصلاح طلب، نیز در جمع تحصن کنندگان حضور یافتند.

آقای حجاریان در سخنانی احتمال عدم شرکت گسترده مردم در انتخابات آینده را مطرح کرد و گفت "وقتی از بوش رییس جمهوری آمریکا انتقاد می شود و مدام نداشتن آرای مردمی و 25 درصد آرای او را به سرش می زنند، آیا داشتن حداقل آرا برای آنها بد است و برای ما بد نیست؟"

به گزارش ایسنا، هنگام سخنرانی آقای حجاریان، براتعلی محمدی فر، که پس از انتخاب به نمایندگی دوره ششم مجلس اعتبارنامه اش ابتدا توسط نمایندگان رد شده بود، خطاب به متحصنین گفت که

"شما که دم از اصلاحات می زنید چرا اعتبارنامه مرا بی دلیل رد کردید؟"

در این جلسه، چند تن از نمایندگان نیز سخنرانی کردند.

از جمله، الهه کولایی در سخنانی گفت که "جرم نمایندگان رد صلاحیت شده این است که زبان و قلم انتقاد آنها گویا بوده است و هرکس را که بیشتر انتقاد داشته مسوول و پاسخگوتر دانسته اند."

مهلت شکایت

همزمان، ستاد انتخابات فرمانداری تهران با صدور بیانیه ای اعلام کرده است نامزدهایی که صلاحیت آنان برای این حوزه تایید نشده است تا آخر وقت اداری روز دوشنبه مهلت دارند مراتب اعتراض خود را به هیات نظارت استان یا شورای نگهبان تسلیم کنند.

به گفته این ستاد، مراتب تعیین صلاحیت داوطلبین ثبت نام شده در حوزه انتخابیه تهران به آنان ابلاغ شده است.

همچنین، گزارش شده است که بهزاد نبوی، از نایب رییسان مجلس که صلاحیت وی توسط شورای نگهبان رد شده، شکایتی را تسلیم این شورا کرده است. آقای نبوی از شورای نگهبان خواسته اسنادی را که منجر به عدم احراز صلاحیت وی شده برای اطلاع عموم منتشر کند.

بهزاد نبوی در این شکایت نامه، که متن آن را انتشار داده، با اشاره به سوابق خود در مبارزات سیاسی قبل از انقلاب و خدماتی که در دوره جمهوری اسلامی کرده، گفته است که این سوابق موید التزام وی به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است.

آقای نبوی با تاکید بر اینکه سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی توسط هیچ نهاد رسمی غیرقانونی دانسته نشده، گفته است چنانچه رد صلاحیت وی به دلیل عضویت در این سازمان بوده باشد، "برخورد خطی و جناحی هیات های نظارت قابل تعقیب است." همزمان گزارش شده که چند تن از داوطلبان رد صلاحیت شده مجلس هفتم عصر روز یکشنبه به محل تعیین شده برای تسلیم شکایات مراجعه کردند.

سرکوب و نقض حقوق بشر توسط رژیم حاکم بر ایران

محکومیت دو نشریه دیگر

بی بی سی - دوشنبه 22 دی 1382 - 12 ژانویه 2004

هیئت منصفه مطبوعات، مدیران مسئول هفته نامه های "بهارانه" و "کتاب هفت" را مجرم دانست اما در عین حال آنان را مستحق تخفیف نیز شناخت.

دادگستری کل استان تهران، با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد که صبح دوشنبه جلسه رسیدگی به کیفرخواست های مطروحه علیه مدیران مسئول هفته نامه های "بهارانه" و "کتاب هفت" در شعبه 76 دادگاه کیفری استان تهران با حضور هیئت قضایی دادگاه و هیئت منصفه مطبوعات به صورت علنی و با ریاست قاضی صارمی برگزار شد.

اتهام مدیران مسئول این دو نشریه، استفاده ابزاری از تصاویر و چاپ و اشاعه مطالبی که خلاف عفت و منکرات خوانده شده اند، اعلام شده است.

بنا به این گزارش، جلسه رسیدگی به اتهامات مدیران مسئول ماهنامه "آفتاب" و هفته نامه "آسیای میانه و تجارت بین الملل" و نشریه "به سوی پیروزی" نیز به دلیل عدم حضور متهمان تشکیل نشد و برگزاری جلسه محاکمه آنان به تاریخ دیگری موکول شد.

دو اعدام دیگر در ملاء

خبرگزاری جمهوری اسلامی گزارش داد حسن رضا مقرب، مشهور به کرکس سیاه، صبح امروز در ملاء عام در میدان عدالت مشهد اعدام شد.

وی به جرم آدم ربایی به ۱۵ سال حبس، به جرم سرقت به ۱۰ سال حبس و به جرم تجاوز به عنف به اعدام محکوم شده بود.

به گفته یک مقام قضایی در مشهد، مجرم ابتدا به اتهام تجاوز به عنف به ۹ دختر نوجوان تحت پیگرد قرار گرفته، اما بعد به جرایم ارتكابی درمورد تجاوز به عنف به کودکان نیز اقرار کرده بود. در همین حال، خیدان غلامی پور، به اتهام قتل هشت تن از کسانی که برای زیارت اماکن مقدس در عراق قصد عبور از مرز ایلام را داشتند، روز دوشنبه در میدان قرآن شهر ایلام و در ملاء عام به دار آویخته شد.

به گزارش ایرنا، وی بر اساس رای نهایی دادگاه عمومی و انقلاب ایلام به هشت بار اعدام در ملا عام محکوم شد.

این حکم پس از تایید دیوان عالی کشور و بنابر اصرار اولیای دم مبنی بر قصاص مجرم، به اجرا درآمد.

100 زن و مرد در يك مجلس میهمانی در شهریار دستگیر شدند

روزنامه جمهوری اسلامی - دوشنبه 22 دی 1382 - 12 ژانویه 2004

شهریار - روزنامه جمهوری اسلامی : يك مجلس لهُو و لهُب در باغ شه‌میرزاد شهریار کشف و تعدادی در این رابطه دستگیر شدند.

به گزارش دایره مبارزه با مفسد اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر شهریار در ساعت 2 بامداد جمعه در یکی از باغهای شهریار به مالکیت فردی به نام شه‌میرزاد که سابقه قبلی نیز درخصوص برگزاری مراسم لهُو و لهُب داشته ، تعداد زیادی زن و مرد اقدام به برگزاری مراسم مختلط پارتی نموده بودند که مامورین پس از اخذ دستورات لازم از دادستان شهریار به باغ مورد نظر مراجعه و در این رابطه تعداد 100 زن و مرد با وضعیت ظاهری نامناسب و مختلط که از مشروبات الکلی و داروهای روان گردان استفاده نموده و درحالت رقص و پایکوبی بودند دستگیر شدند.

گزارش رسیده حاکی است پس از بازجویی مشخص گردید تعدادی از این افراد از کشورهای اروپایی و آمریکایی آمده بودند. در بین دستگیر شدگان تعدادی از ورزشکاران نیز دیده می شوند.

گفتنی است کلیه متهمین به همراه 48 دستگاه خودرو و مقدار زیادی مشروبات الکلی داخلی و خارجی و قرصهای روان گردان تحویل معاونت اطلاعات ناحیه انتظامی گردید.

رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

'بوش از ابتدا مصمم به سرنگونی صدام بود'

بی بی سی - دوشنبه 22 دی 1382 - 12 ژانویه 2004

یکی از مقامات سابق دولت جرج بوش، رییس جمهوری آمریکا، گفته است که آقای بوش همواره مصمم بود صدام حسین، رییس جمهوری سابق عراق را سرنگون کند.

پل اونیل، وزیر خزانه داری در دولت آقای بوش و از اعضای شورای امنیت ملی وی، که در ماه دسامبر سال 2002 به دلیل اختلاف نظر با دولت از کار برکنار شد، ادعا کرده است که آقای بوش و متحدان وی با طرح موضوع جنگ افزارهای کشتار جمعی بهانه ای را برای حمله نظامی به عراق به دست آوردند. وزیر خزانه داری سابق آمریکا گفته است که جرج بوش از همان روزهای اول ورود به کاخ سفید معتقد بود که صدام حسین شخصیتی شرور است و باید از قدرت ساقط شود.

به گفته آقای اونیل، وی در طول 23 ماه خدمت در دولت جرج بوش هرگز شواهدی از وجود جنگ افزارهای کشتار جمعی در عراق ملاحظه نکرد.

سخنان پل اونیل، که در یک رشته مصاحبه با رسانه ها در آستانه انتشار کتاب وی به نام "کاخ سفید" اظهار شده، از جمله شدیدترین و زیانبارترین انتقاداتی است که تاکنون یکی از نزدیکان دولت جرج بوش از سیاست وی به عمل آورده است.

آقای اونیل همچنین روش رهبری جرج بوش را مورد انتقاد قرار داده و گفته است که در جلسات هیات وزیران، رفتار آقای بوش مانند مردی نابینا در میان جمع ناشنویان بود.

سخنان آقای اونیل از سوی مقامات دولت و سیاستمداران حزب جمهوری خواه به شدت محکوم شده است که آقای اونیل را به خیانت و جعل حقایق متهم کرده اند.

طرفداران جرج بوش اتهامات پل اونیل را بی اساس دانسته و به دفاع از سیاست رییس جمهوری در مورد عراق و نحوه رهبری وی پرداخته اند.

در مورد جنگ افزارهای کشتار جمعی در عراق، روز یکشنبه، 11 ژانویه، تونی بلر، نخست وزیر بریتانیا، گفت که نمی تواند بگوید که آیا چنین تسلیحاتی در عراق یافت خواهد شد یا نه.